

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۶، ۲۸۱ - ۲۴۵

اثر قانون رقابت بر تسهیل رقابت، رقابت‌مندی و استاندارد زندگی

دکتر سیدشمس‌الدین حسینی * افسانه شفیعی **

پذیرش: ۸۶/۱۱/۱۳

دریافت: ۸۵/۴/۵

قانون رقابت / تسهیل رقابت / رقابت‌مندی / انحصار / استاندارد زندگی / روش حداقل
مربعات دو مرحله‌ای وزنی

چکیده

این مطالعه به بررسی اثر اجرای قانون رقابت بر درجه رقابت ملی، رقابت‌مندی و استانداردهای زندگی می‌پردازد. داده‌های مورد استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی مجمع جهانی اقتصاد (WEF) و پایگاه «بررسی جهانی رقابت» (GCR) استخراج و به صورت شاخص‌های رقابتی محاسبه شده در خصوص ۸۳ کشور توسعه نیافته، در حال توسعه و توسعه یافته (مقطعی - سال ۲۰۰۳) بکار رفته‌اند. الگو به صورت سیستم معادله بوده، و به روش‌های تک معادله و همزمان برآورد شده است. نتایج هر دو روش نشان می‌دهد که اجرای قانون رقابت، می‌تواند بر رقابت‌مندی اقتصاد و از آن طریق بر استاندارد زندگی (۰/۶۲ درصد، بنابر الگوی سیستمی) مؤثر باشد. تحلیل‌های انجام شده در خصوص درجه رقابت ملی (با استفاده از رویکرد همزمان) نیز نشان می‌دهد که اعمال سیاست‌های تنظیم انحصار می‌تواند بر افزایش رقابت میان بنگاه‌های داخلی (۵/۴٪) و در نتیجه بهبود استاندارد زندگی (۰/۵۸ درصد) مؤثر باشد.

طبقه‌بندی JEL: L40, K21, F23

مقدمه

قانون رقابت^۱، به عنوان مهمترین ابزار سیاست رقابتی^۲ عبارت از مجموعه مقرراتی است که برای بهبود عملکرد بازارها وضع می شود. سرآغاز این قانون، مقررات ضد تراستی بود که در کشورهایی چون ایالات متحده آمریکا تدوین شد. این قوانین جهت گیری خود را بر پیشگیری از ظهور تراست ها و انحصارات قرار داده بودند، اما با گذشت زمان و با تفکیک انحصارات خوب و بد، و همچنین متمایز ساختن ساختارهای انحصاری از رفتارهای انحصاری، قوانین مزبور مورد تجدید نظر قرار گرفتند. با این تجدید نظر، دیدگاه سلبی نسبت به انحصار کنار گذاشته شد و در عوض با اتخاذ دیدگاه اثباتی، دامنه هدف گسترش یافت. به عبارتی «قانون ضد انحصار» به «قانون تسهیل رقابت» تبدیل شد و تحت این عنوان جدید، جهت گیری خود را به سمت حذف تمامی «رویه های محدود کننده رقابت» و نه لزوماً «تمامی انحصارات» قرار داد.

در ابتدا، اجرای این قانون، به دلیل نامعلوم بودن اثرات مستقیم آن بر متغیرهای اقتصادی - به خصوص متغیرهای مرتبط با استاندارد زندگی - و دشوار بودن سنجش کمی این اثرات، با استقبال چندانی از سوی کشورها روبرو نشد، زیرا دلیل کافی برای اثبات اثرات مثبت آن وجود نداشت. اما به مرور زمان و با گسترش شرکت های مسلط در بازارهای ملی و همچنین ابداع روش های کمی کردن اثرات سیاست رقابتی و قانون رقابت، ضرورت برخورداری از این قانون و سیاست در کشورها بیشتر احساس شد و بدین ترتیب کشورهای بیشتری به بهره گیری از آن روی آوردند.

در ایران از برنامه پنجساله اول (۷۲-۱۳۶۸)، حرکت هایی در جهت سیاست رقابتی همچون خصوصی سازی آغاز شد و تا برنامه پنجساله دوم (۷۸-۱۳۷۴) ادامه یافت. اما از برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) بود که خط مشی های مشخص تری در خصوص تقویت رقابت و تنظیم انحصارها مطرح شد. در فصل چهارم این برنامه، امتیازات انحصاری اعطا شده به دولت مورد بازبینی قرار گرفت، و مقرر شد دسته ای از فعالیت های قابل انجام از

1. Competition Law.
2. Competition Policy.

طریق بخش خصوصی به این بخش سپرده شود و به این طریق رقابت در بازارها افزایش یابد. در عین حال در ماده ۳۵ این قانون دولت مکلف شد اقدامات قانونی برای لغو انحصار و جلوگیری از فعالیت‌های انحصارگرانه معمول کند. این رویکرد در برنامه چهارم تقویت و تصریح شد و در عین حال که فضای عملکرد بخش خصوصی بازتر شد، لزوم ایجاد چارچوبی برای تنظیم مطرح شد. در مواد ۳۸، ۴۰ و ۴۱ قانون برنامه چهارم، دولت مکلف شد تا "لایحه تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات" را در سال اول برنامه به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند و به این ترتیب، مقدمات تدوین و اجرای قانون رقابت در کشور فراهم شد.

مقاله حاضر در چهار بخش تنظیم شده است: بخش اول به مبانی نظری مقررات تنظیمی و انواع روش‌های تنظیم از جمله قانون رقابت می‌پردازد. بخش دوم به چارچوب و روش اندازه‌گیری اثر قانون رقابت بر برخی شاخص‌های مهم و همچنین مرور مطالعات تجربی در این زمینه اختصاص دارد. در بخش سوم درجه تمرکز در برخی بازارهای مهم اقتصاد ایران بررسی می‌شود و بخش چهارم به برآورد کمی اثرات اجرای قانون رقابت در کشورهای منتخب اختصاص دارد. یادآور می‌شود چون قانون رقابت در ایران هنوز به تصویب نرسیده و اجرا نشده است، ایران در نمونه قرار ندارد، ولی انجام این مطالعه از یک طرف به دلیل خلاء اینگونه مطالعات^۱ و از طرف دیگر به منظور آگاهی از اثرات اجرای قانون رقابت اهمیت دارد.

۱. مبانی نظری

در مقدمه اشاره شد که قانون رقابت مهمترین ابزار سیاست رقابتی و تنظیم است، ولی فلسفه یا مبنای نظری اعمال تنظیم در اقتصاد و به تبع آن وضع قانون رقابت چیست؟ در این قسمت مقاله ابتدا پیش شرط کارایی تخصیصی سازوکار بازار یعنی «شرایط رقابت» و در مقابل «انحصار» به عنوان یکی از زمینه‌های اصلی شکست بازار، به عنوان مبنای اعمال تنظیم در اقتصاد بحث می‌شود، سپس انواع نظام‌ها و ابزارهای تنظیم از جمله قانون رقابت معرفی

۱. مطالعات انجام شده در اقتصاد ایران به اندازه‌گیری درجه تمرکز و اثرات اجتماعی انحصار اختصاص دارند.

می شوند.

۱-۱. رقابت؛ پیش شرط کارایی تخصیصی بازار

در تحلیل های کلاسیک و نئو کلاسیک اقتصاد، شرایط رقابت در بازار مفروض گرفته می شود. ولی تحقق بازار رقابت کامل نیازمند برقراری فروضی هستند که عبارت اند از: ۱- هیچ یک از طرف های بازاری از قدرت بازاری برخوردار نباشند، به عبارتی تعداد خریداران و فروشندگان آنقدر زیاد باشد که هیچ یک نتوانند بر قیمت تأثیر بگذارند. ۲- کالاها و خدمات براحتی قابل مبادله با یکدیگر باشند. ۳- تمامی بنگاه ها باید از شرایط قیمت گذاری یکدیگر مطلع باشند. ۴- تمامی بنگاه ها دسترسی یکسان به منابع تولید و تکنولوژی داشته باشند و ۵- آزادی ورود و خروج کامل برای بنگاه ها وجود داشته باشد. در این بازار هیچگونه تضادی میان منافع خریداران و فروشندگان، همچنین منافع تولید کنندگان و مصرف کنندگان وجود ندارد. لذا «شرایط تعادل» در این بازار در بر دارنده «شرایط کارایی» می باشد.

اما اگر وضعیتی پدید آید که طی آن تولید تعادلی از تولید بهینه اجتماعی (نقطه کارا) منحرف شود، آنگاه گفته می شود که بازار در دستیابی به کارایی تخصیص منابع یا حداکثر کردن رفاه اجتماعی (مجموع منافع تولید کنندگان و مصرف کنندگان) شکست خورده است. یکی از موارد موجد این شکست، نقض شرط پنجم بازار رقابت کامل (آزادی ورود و خروج به بازار) است، که با نقض آن واژه انحصار معنا می یابد. شرایط مذکور در نتیجه سه عامل ممکن است رخ دهد: ۱- مالکیت منابع اصلی تولید^۱، ۲- وجود موانع قانونی از سوی دولت^۲ (همانند حقوق مالکیت)، و ۳- وجود صرفه های گسترده نسبت به مقیاس^۳ (انحصارات طبیعی). در شرایط انحصار طبیعی، قدرت بازاری امکان تعیین قیمت در سطح بالاتر از قیمت (شرایط) رقابتی، را در حالی برای انحصارگر فراهم می آورد که از سود وی به نفع رقبا کاسته نمی شود. زیرا سود این صنعت در بردارنده سود اقتصادی^۴ است که در

-
1. The ownership of the key resources.
 2. Legal barriers by government.
 3. Large economies of scale.
 4. Economic Profit.

سطحی بالاتر از سود نرمال^۱ که مخصوص شرایط رقابت کامل است، قرار دارد. به عبارتی، انحصارگر در حالی قیمت تعادلی کالای خود را بالاتر از سطح قیمت رقابتی آن تعیین می کند که مقدار تولیدی آن پایین تر از حد تولید رقابتی قرار دارد، و به جهت کم کشش بودن تقاضا برای کالای وی (به دلیل کمبود جانشین نزدیک برای این کالا در بازار)، در آمد کل و سپس سود آن کاهش نمی یابد، اما با تأثیری که بر رفاه مصرف کنندگان و کاهش تولید از سطح تولید بهینه اجتماعی بر جای می گذارد، منجر به کاهش رفاه اجتماعی (شکست بازار) می شود.^۲

بدین ترتیب، عملکردهای انحصاری با تأثیری که بر کاهش سطح رفاه اجتماعی بر جای می گذارد، زمینه ساز مداخله های تنظیمی دولت می شوند. این مقابله، بسته به میزان زیان رفاهی ناشی از عملکرد انحصارگر متفاوت است که در قسمت ابزارهای تنظیم انحصارگر این مقاله، مورد بررسی قرار می گیرد.

۲-۱. شیوه های مداخله یا نظارت دولتی در اقتصاد

مداخلات دولت در اقتصاد می تواند با درجات مختلفی به انجام برسد. شدیدترین نوع مداخله، کنترل یا جایگزینی نابازاری است که دولت خود به عنوان یک تولیدکننده بزرگ در اقتصاد حضور می یابد. در مقابل، دولت ممکن است از طریق خرید کالاها و خدمات نهایی، در قالب روش های بازاری، عمل کند. این نوع کنترل به دو صورت دخالت های بازاری مستقیم - مقررات تنظیمی^۳ - و دخالت های بازاری غیرمستقیم^۴ اعمال می شود.

1. Normal Profit.

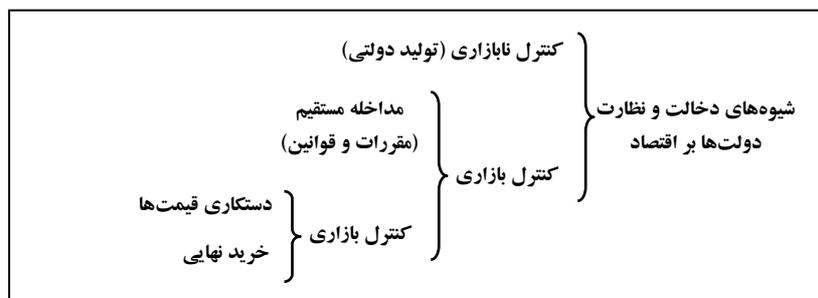
2. Ruffin and Gregoy (1990).

۳. این نوع مداخله دولت به شکل وضع قوانین و مقررات بوده و برخی فعالیت ها را برای بنگاه های تجاری الزام یا ممنوع می سازد. دریافت مجوز صادرات یا واردات، ممنوع کردن ورود بسیاری از کالاهای وارداتی، تعیین استانداردهای کمی و کیفی برای محصولات، اعمال مقررات استخدامی و الزامات ایمنی شرایط کار، اعمال قوانین ضد تراست، تعیین شیوه های حسابداری و تنظیم گزارش های مالی، اجبار بیمه های بازنشستگی و ... از انواع کنترل ها و دخالت های مستقیم دولت در عملکرد بنگاه های تجاری است.

۴. مداخلات غیر مستقیم بازاری دولت شامل تمامی شیوه هایی است که سودآوری فعالیت های بنگاه ها را تحت تأثیر قرار می دهند. بستن تعرفه بر واردات، تعیین عوارض بر تولید برخی کالاها، تحمیل مالیات های غیرمستقیم، پرداخت

شکل (۱).

شکل ۱- انواع شیوه‌های مداخله یا نظارت دولتی در اقتصاد



۳-۱. مفهوم مقررات تنظیمی^۲

مقررات تنظیمی (تنظیم) مبین شرایطی است که دولت کنترل‌هایی را بر فعالیت اشخاص و بنگاه‌ها (در زمینه‌هایی قیمت‌گذاری، سطح تولید، و یا انجام تبلیغات) وضع می‌کند. کنترل یا دخالت دولت برای رفع هرگونه سوء استفاده بنگاه‌ها از قدرت بازاری^۳ صورت می‌گیرد. این مداخله به دو صورت است: الف) وضع قوانین ضد تراستی که عملکرد آن کاهش و یا حذف قدرت‌های بازاری و یا تغییر ساختار بازارهاست و ب) تعیین مقررات تنظیمی که در جهت محدود ساختن بهره‌گیری از قدرت بازاری اعمال می‌شود.^۴

یارانه به تولید انواع کالاها، تعیین حداقل دستمزد، برقرار کردن سقف قیمت و... انواع مداخله‌های قیمتی را نشان می‌دهد. نوع دیگر مداخله غیرمستقیم بازاری از طریق خرید و فروش کالاها و خدمات نهایی در بازار، انجام می‌شود. به‌طور مثال خرید خدمات مربوط به پارک‌ها، فضاها، سبز، خرید قطعات و تجهیزات نظامی، خرید محصولات کشاورزی و دامی (به‌منظور تثبیت بازار آنها و نه مصرف دولتی) خرید خدمات حمل و... انواع مداخله‌های بازاری از طریق خرید و فروش کالاهای نهایی می‌باشند.

۱. رناتی (۱۳۷۶).

2. Regulation.

۳. مقصود از قدرت بازاری (Market Power) توانایی بنگاه‌ها در تغییر قیمت بازاری کالاها و خدمات می‌باشد.

4. Lee (2002).

به عبارتی می توان گفت با این مقررات، به جای آنکه ساختار بازار دچار تغییر شود، رفتار بازارها^۱ تغییر می کند. به طور مثال هنگامی که از ادغام بنگاه ها جلوگیری می شود، ساختار بازارها تحت تأثیر واقع می شود، اما هنگامی که از افزایش قیمت ها توسط یک بنگاه یا حتی صنعت خاص جلوگیری می شود، آنگاه شدت بهره گیری از قدرت بازاری تحت تأثیر قرار گرفته است.^۲ در یک طبقه بندی دیگر، "تنظیم رقابت" و "تنظیم اقتصادی" مطرح می شوند. در اولی، حذف انحصارات مصنوعی و غیر مفید هدف گرفته می شود و در دومی، محدود کردن سوء استفاده از قدرت انحصاری در انحصارات طبیعی و یا انحصارات با منشأ خوب چون R&D و نوآوری ها ... مطرح است.

۱-۴. انواع نظام های تنظیمی

۱-۴-۱. نظام کنترل - دستور^۳

اولین روش مورد استفاده در اعمال مقررات تنظیمی، روش کنترل - دستور است که مقررات به صورت چارچوبی معین از بیرون بر بنگاه های تحت تنظیم تحمیل می شوند. این روش به رغم کاربرد گسترده طی مدت های مدید، اکنون طرفدار چندانی ندارد، زیرا متناظر با هزینه های اجرایی زیاد و همچنین انعطاف ناپذیری بی مورد نسبت به برخی از صنایع است، و در صورت به کارگیری آن خلاقیت ها نیز فرصت ظهور نمی یابند.^۴

۱-۴-۲. تنظیم از درون^۵

روش دیگر آن است که به جای تحمیل مقررات از خارج به بنگاه، از ساختار درونی بنگاه و چگونگی عملکرد آن، در تدوین مقررات استفاده شود. این امر می تواند به شیوه های مختلف به انجام رسد، که دو مورد زیر از همه مهمترند:

الف. بهره گیری از نظام های داخلی تدوین مقررات. این روش به دو صورت قابل انجام است: ۱. چارچوبی کلی برای مقررات از سوی تنظیم کنندگان تدوین می شود و سپس در

1. Behavior of Markets.

2. Schiller (1989). p. 63.

3. Command-Control Regime.

4. Collier (1999).

5. Internalizing Regulation.

اختیار بنگاه‌ها قرار داده می‌شود تا بنگاه‌ها با پیروی از آن، نسبت به تدوین تفصیلی قوانین خود اقدام نموده و سپس با جلب نظر تنظیم‌کنندگان در رابطه با آن مقررات، به اجرای آن همت گمارند. ۲. مجموعه‌ای از مقررات پیش فرض^۱ از سوی تنظیم‌کنندگان تدوین شود و سپس بنگاه‌ها از طریق مذاکره با واحد تنظیم‌کننده و تأیید آن، قواعد و مقررات خاص خود را انتخاب کنند.^۲

در این نظام بنگاه‌ها می‌توانند مقررات متناسب با عملیات خود را درحالی برگزینند که دستیابی به اهداف عمومی اجتماعی، و قواعد و مقررات عمومی‌تر نیز لحاظ شوند. در این حالت هزینه‌های تنظیم کاهش می‌یابد، زیرا تنظیم‌کنندگان مجبور نیستند قوانین را به تفصیل برای بنگاه بنویسند. تحت این شرایط، بنگاه‌ها به قواعد و مقررات پایبندتر خواهند بود، زیرا در تدوین آن مشارکت داشته‌اند. علاوه بر این، تنظیم‌کنندگان می‌توانند، بهترین ایده‌های کاربردی بنگاه را دریابند و از خلاقیت‌های بنگاه‌ها برای ارتقای استانداردها بهره بگیرند.^۳

ب. تمرکز تعهدات.^۴ روش دیگر درونی‌سازی مقررات تنظیمی، قرار دادن برخی تعهدات برعهده کارفرما است. این روش بیشتر مواقعی استفاده می‌شود که تمرکز بر اثربخشی مقررات قرار داشته باشد. در این نظام در صورت عدم تمکین نسبت به مقررات، کارفرما مستوجب تعهداتی خاص می‌شود، و بنابراین، تمرکز بر کفایت سیستم و

1. Default.

۲. این دو روش ایراداتی نیز دارند: ایراد روش اول آن است که بنگاه مورد نظر مجموعه مقرراتی را تدوین می‌کند که ممکن است در ظاهر، در چارچوب مقرر تنظیم‌کنندگان جای داشته باشد، اما به‌نحوی تدوین شده باشد که تنظیم‌کننده به دلیل دانش محدود نسبت به عملکرد بنگاه، به خوبی قادر نباشد در رابطه با آن، اظهار نظر کند. در روش دوم نیز ممکن است تنظیم‌کننده در تأیید قواعد مدون بنگاه‌ها و تغییر برخی از آنها به منابع بیشتری احتیاج داشته باشد. به بیان دیگر هر دوی این روش‌ها با مشکل کمبود اطلاعات تنظیم‌کننده نسبت به جزئیات عملکرد درونی بنگاه مواجه‌اند.

۳. مزایای متناظر با این سیستم نیز هنگامی به طور کامل عینیت می‌یابد که تنظیم‌کنندگان خود در فرایندها دخیل شوند، و بجای آنکه صرفاً با مجموعه‌ای از خط مشی‌های درونی بنگاه مشغول باشند و نهایت تلاش خود را در اعمال حداکثر کنترل بر این گونه بنگاه‌های تحت تنظیم قرار دهند، به برخورد با مقررات به صورت موردبه‌مورد پردازند.

4. Liabilities.

کنترل درونی بنگاه قرار داده می‌شود.^۱

۵-۱. ابزارهای تنظیم

۵-۱-۱. ملی‌سازی (مالکیت عمومی)^۲

در دهه‌های گذشته وسیع‌ترین شکل تنظیم برای مهار قدرت انحصاری (به‌خصوص انحصار طبیعی)، مالکیت عمومی بوده است. در این نظام تنظیمی، انتظار بر آن بود که با اعمال ترکیبی از کنترل‌های سیاسی، پاسخگویی، فشار اداری و چارچوب قانونی بتوان اهداف تنظیمی را برآورده ساخت و لذا دولت خود عهده‌دار مالکیت و مدیریت صنعت مربوطه می‌شد. اکنون این روش به‌عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته می‌شود و موارد کاربرد اندکی پیدا کرده است.^۳

۵-۲. تنظیم انحصار (تنظیم قیمت)^۴

در این روش یک توافق بلندمدت بین نهاد تنظیم‌کننده و بنگاه انحصاری انجام می‌شود که بنگاه تقاضای مصرف‌کنندگان را در حد معقول و در حداقل هزینه برآورده کند، تنظیم‌کننده این اجازه را به بنگاه می‌دهد، قیمتی را مطالبه کند که هزینه‌هایش را پوشش دهد.^۵

۵-۳. صدور مجوز عمومی با الزام شرایط رقابتی^۶

یک روش تنظیم انحصارات خصوصی آن است که اجازه عرضه منوط به دریافت مجوز عمومی شود. در این نوع قرارداد، شرایط رقابتی برای اجازه عرضه درج می‌شود. به لحاظ نظری، رقابت برای کسب امتیاز انحصاری، بنگاه‌ها را به عرضه کالاها و خدمات به گونه‌ای سازگار با کارآیی اقتصادی، وادار می‌کند و همزمان سبب اجتناب از مشکلات

1. Black (1999).

2. Nationalization (Public Ownership).

۳. معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، لایحه قانون رقابت؛ مبانی نظری و تجربه کشورها (۱۳۸۴).

4. Price regulation.

۵. مشکل دسترسی به اطلاعات کافی و برآورد هزینه‌های بنگاه و تعیین قیمت مناسب و همچنین مشکل برآورد نرخ بازدهی کافی برای تمایل بنگاه به سرمایه‌گذاری، از جمله مشکلات در این خصوص می‌باشند.

6. Competitive Public Franchising.

مربوط به تعیین قیمت‌های مناسب می‌شود.^۱

۴-۵-۱. قانون رقابت

این سیاست به منظور هدایت صنعت انحصاری به سمت فضای رقابتی اجرا شده و عملکرد آن کاهش و یا حذف قدرت‌های بازاری از طریق تغییر ساختار بازاری است.^۲ این سیاست ابتدا در قالب «مقررات ضد تراستی»^۳ اجرا شد و با مجموعه اصول و قواعدی که سازمان ملل در سال ۱۹۸۰ در زمینه رقابت منتشر کرد، رسمیت یافت. هدف از این اصول ممانعت از گسترش انحصارات و سوءاستفاده آنها از قدرت بازاری خود بود. اما از سال ۲۰۰۰ رویکرد این مقررات با بازنگری سازمان ملل در مجموعه اصول و قواعد پیشنهادی خود، تغییر کرد و از مقررات ضد تراستی به قانون رقابت تغییر نام داد. این قوانین که از سوی مقام رقابت^۴ تنظیم و اجرا می‌شود، در جهت پیشگیری از تبانی، سوء استفاده از قدرت انحصاری توسط بنگاه مسلط و سایر رویه‌های ضد رقابتی کاربرد دارد و نتیجه آن تسهیل و گسترش رقابت در بازار است.^۵ این ابزار تنظیم به دلیل اثربخشی از کاربرد فراگیری در اقتصادهای مختلف جهان برخوردار است و اکنون بالغ بر یکصد کشور جهان دارای قانونی با این عنوان یا عنوان مشابه هستند که در قسمت‌های بعدی مقاله بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

۲. اندازه گیری اثر قانون رقابت

۲-۱. چارچوب مفهومی

ارتباط میان سیاست رقابتی و به تبع آن قانون رقابت با متغیرهای کلان اقتصادی را می‌توان در دو مرحله دنبال کرد. مرحله اول، ارتباط میان سیاست رقابتی و قانون رقابت با

۱. دفتر مطالعات اقتصادی، نقش مقررات تنظیمی در اقتصاد و جایگاه قانونی آن (۱۳۸۲).

۲. McConnel and Brue (1996).

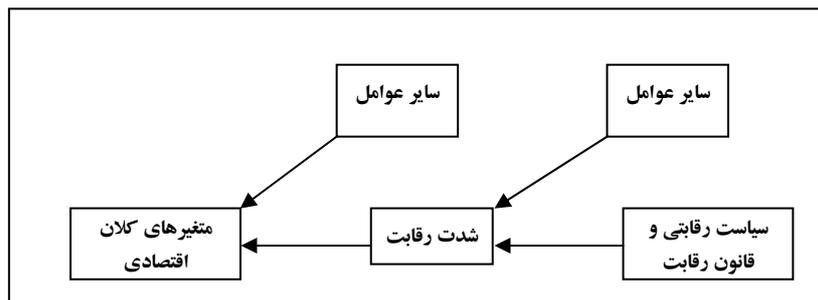
۳. Anti-trust Laws.

۴. مرجع رقابت (Competition Authority)، نهاد مسئول و ناظر اجرای قانون رقابت است.

۵. مقامات رقابت در ابتدا قواعدی را تعیین می‌کنند که به رفتار بازیگران در بازار چارچوب می‌بخشند و سپس هر گونه سرپیچی از آن چارچوب، پیگرد قانونی خواهد داشت.

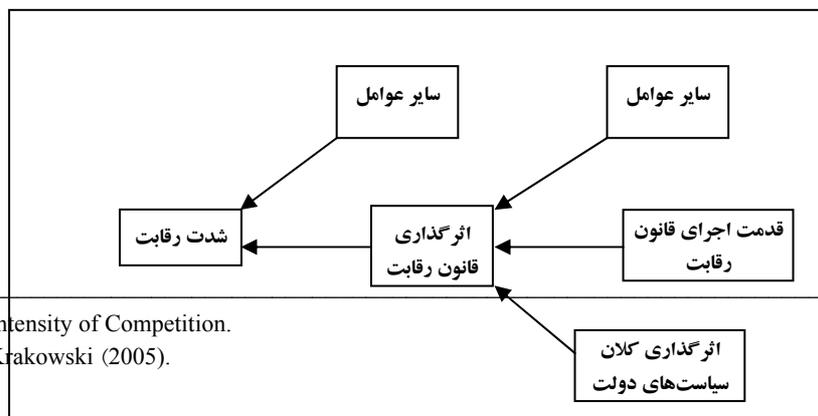
درجه رقابت در یک اقتصاد معین را روشن می‌کند و مرحله دوم به رابطه میان شدت رقابت^۱ با شاخص‌های اقتصادی (همانند تولید ناخالص داخلی سرانه و سطح رقابت‌مندی کشور، که هر دو عملکرد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند) می‌پردازد. این موارد در شکل (۲) ارائه شده‌اند.

شکل ۲- مراحل اثرگذاری سیاست رقابتی و قانون رقابت بر متغیرهای اقتصادی



به منظور درک بهتر شکل (۲) لازم است ابتدا مفهوم شدت رقابت، با دقت بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. این مفهوم در ارتباط با نحوه رقابت در صنایع یا بازارهای داخلی کاربرد دارد و مبین آن است که ورود و خروج به صنایع تا چه حد امکان‌پذیر بوده و بنگاه‌ها به چه ترتیب در بازار فعالیت می‌کنند. اما اینکه اجرای سیاست رقابتی و قانون رقابت تا چه حد می‌تواند بر درجه رقابت در اقتصاد مؤثر باشد، بستگی به عواملی دارد که در شکل (۳) نمایش داده شده است.^۲

شکل ۳- عوامل اثرگذار بر درجه رقابت



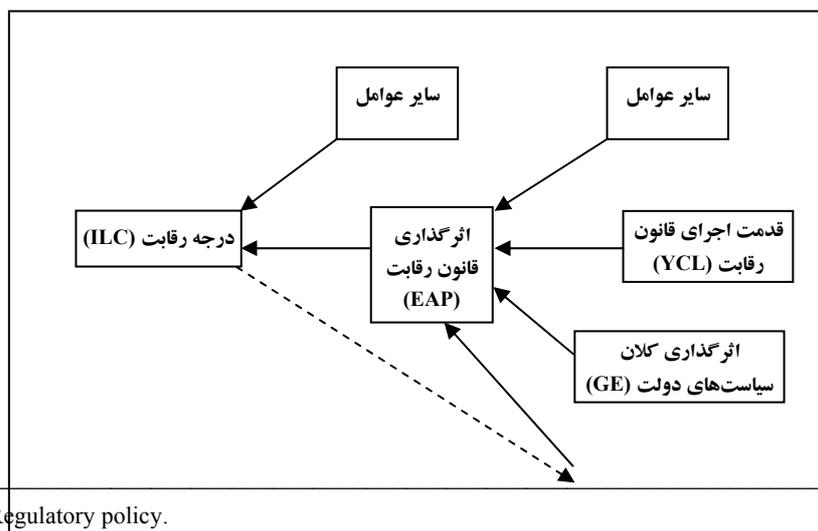
1. Intensity of Competition.
2. Krakowski (2005).

همانگونه که شکل (۳) نشان می‌دهد شدت رقابت به‌طور مستقیم تحت تأثیر درجه اثرگذاری قانون رقابت می‌باشد. این عامل به همراه سایر عوامل، همچون سیاست رقابتی در معنای گسترده آن، سیاست‌های تنظیمی^۱ و یا سطح حمایت‌های خارجی^۲ از جمله عوامل مهم اثرگذار در این رابطه هستند. این عناصر ارتباط میان اثرگذاری کاربرد قوانین رقابتی و درجه رقابتی را نشان می‌دهند.

۲-۲. تعاملات قانون رقابت و متغیرهای اقتصادی در رویکرد همزمان^۳

اگر چه بررسی جداگانه هر یک از مراحل فوق، اطلاعات زیادی در خصوص نحوه تأثیرپذیری درجه رقابت از عوامل مختلف و همچنین نحوه اثرگذاری آن بر متغیرهای اقتصادی به دست می‌دهد، اما انجام تحلیل در چارچوبی توامان، به نحو بهتری می‌تواند نمایانگر تعاملات این متغیرها باشد. لذا به منظور تکمیل بحث بهتر آن است که به «رویکرد همزمان» نیز توجه شود. این رویکرد در قالب شکل (۴) قابل ارائه است.

شکل ۴- تحلیل اثرپذیری درجه رقابت از عوامل مختلف طبق «رویکرد همزمان»



1. Regulatory policy.
2. External protection.
3. Simultaneous Approach.

استاندارد زندگی GNP

به عبارتی می توان گفت:

$$\begin{cases} \text{EAP} = f(\text{GE}, \text{YCL}, \text{GNIP}) \\ \text{ILC} = f(\text{EAP}, \text{GNIP}) \\ \text{GNIP} = f(\text{ILC}) \end{cases}$$

در این رویکرد، اثرگذاری قانون رقابت (EAP) بر درجه رقابت (ILC) در حالی مورد بررسی قرار می گیرد، که این متغیر خود تابعی از سه عامل مهم: ۱- تجربه اجرای قانون رقابت (YCL)، ۲- اثرگذاری کلان سیاست دولت (GE) و ۳- سطح استاندارد زندگی (GNIP)^۱، در نظر گرفته می شود. در عین حال سطح استاندارد زندگی خود به عنوان متغیری تأثیرپذیر از درجه رقابت در اقتصاد در نظر گرفته می شود.^۲

۲-۳. معرفی شاخص ها

بر اساس بررسی های انجام شده، ۱۰۶ کشور جهان اقدام به تدوین قانون رقابت کرده اند که علاوه بر کشورهای OECD، ۲۶ کشور از آفریقا، ۱۸ کشور از قاره آسیا و اقیانوسیه، ۱۷ کشور از آمریکای لاتین و کارائیب هستند. علاوه بر این ها، ۱۸ کشور در حال انتقال نیز اقدام به تدوین قانون رقابت کرده اند.^۳ بررسی های تجربی مبین آن است که هر قدر، تعداد کشورهای دارای قانون رقابت طی زمان بیشتر شده، درآمد ناخالص ملی جمععی کشورها با نرخ بالاتری افزایش یافته است.^۴ در شکل (۵) بررسی مقایسه ای از درصد افزایش تعداد

1. Gross National Income.
2. Krakowski (2005).

۳. در حال حاضر حدود ۸۰ کشور عضو سازمان جهانی تجارت دارای قانون رقابت هستند. از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ بیش از ۳۵ کشور قانون رقابت را تصویب یا قانون موجود خود را بازنگری کردند. البته اعضای سازمان آزادند هر قانون رقابتی که می خواهند تصویب کنند، اما تنها یک محدودیت وجود دارد و آن اصل عدم تبعیض رفتار ملی است که در ماده ۳ گات ذکر شده است.

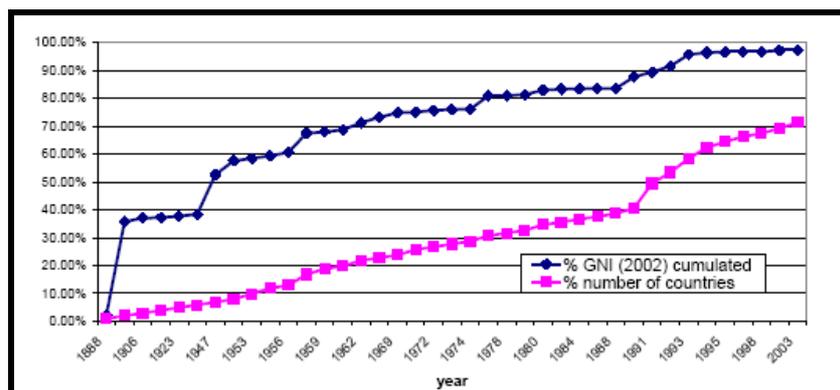
برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به:

معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی (دفتر مطالعات اقتصادی)، لایحه قانون رقابت: مبانی نظری و تجربه کشورها. شرکت چاپ و نشر بازرگانی. چاپ اول. ۱۳۸۴.

۴. تحلیل داده های تاریخی در اجرای سیاست رقابتی در کشورهای مختلف، نشان می دهد که کشورهای توسعه یافته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه زودتر اقدام به تدوین و اجرای قانون رقابت کرده اند. اجرای این قانون در

کشورهای برخوردار از قانون رقابت و درصد تغییر در درآمد ناخالص ملی تجمعی آنها، ارائه شده است.

شکل ۵- درصد افزایش تعداد کشورهای برخوردار از قانون رقابت در مقابل درصد افزایش درآمد ناخالص ملی تجمعی (۱۰۱ کشور)



Source of Data: UNCTAD, World Investment Report 1997, figures for years after 1996 updated with national data

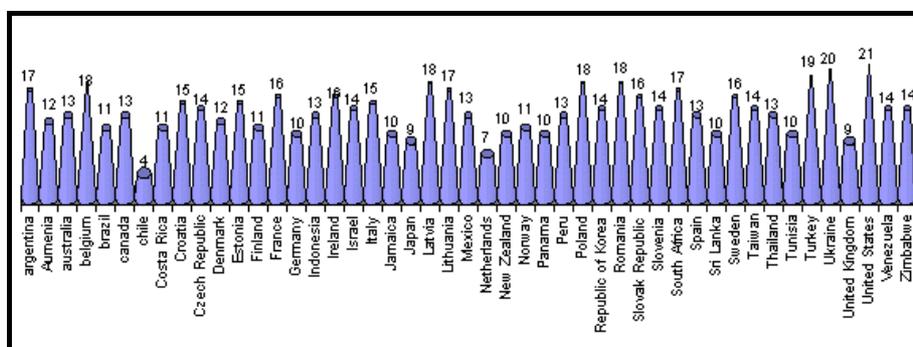
همانگونه که در شکل (۵) نمایان است، در طول زمان نسبت کشورهای دارای قانون رقابت و درآمد ملی تجمعی آنها افزایش داشته است؛ ضمن اینکه درصد افزایش درآمد ناخالص ملی تجمعی از رشد نسبت کشورهای یادشده بالاتر است که این امر تاحدی می تواند از اثرات مثبت اجرای قانون رقابت ناشی شده باشد. البته ارزیابی این اثر مستلزم بررسی شاخص هایی است که مبین اثرات تسهیل رقابت از طریق وضع مقررات باشد و به صورت بین المللی معرفی شوند. در ادامه به برخی از مهمترین این شاخص ها اشاره می شود.

۱-۳-۲. شاخص مقررات ضد تراستی

بیشتر کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۹۰ و همگام با سیاست های رقابتی صورت گرفت. این سیاست ها بخشی از فرایند اصلاحات عمومی اقتصادی این کشورها به شمار می رود که تحت عناوین کلیدی ۱. آزادسازی اقتصادی، ۲. مقررات زدایی و ۳. خصوصی سازی معرفی شده اند.

یکی از شاخص‌های مهم در زمینه سنجش اثرات تسهیل رقابت در بازار از طریق وضع مقررات، شاخص مقررات ضد تراستی است که ارقام سال ۲۰۰۳ آن برای کشورهای مختلف، در شکل (۶) ارائه شده است. این شاخص که با لحاظ نمودن برخی عوامل مؤثر بر کاهش شرایط تراستی در اقتصاد (درجه ممنوع ساختن ادغام‌ها و شرایط آن، مقررات ورود و خروج به بازار، و...) ساخته می‌شود، نشان می‌دهد که در اقتصاد مربوطه تا چه حد ساختار تراستی بازارها محدود می‌شود. (ر.ک. به ضمیمه II، بخش شاخص‌ها)

شکل ۶- شاخص مقررات ضد تراستی (شدت اعمال مقررات ضد تراستی)
در کشورهای مختلف در سال ۲۰۰۳



منبع: Nicholson, 2004.

همانگونه که در شکل مشخص است، ایالات متحده آمریکا بالاترین رتبه را به لحاظ شاخص مقررات ضد تراستی (۲۱) داراست و کشور شیلی با برخورداری از شاخص ۴، دارای پایین‌ترین رتبه در میان کشورهای مورد بررسی است.

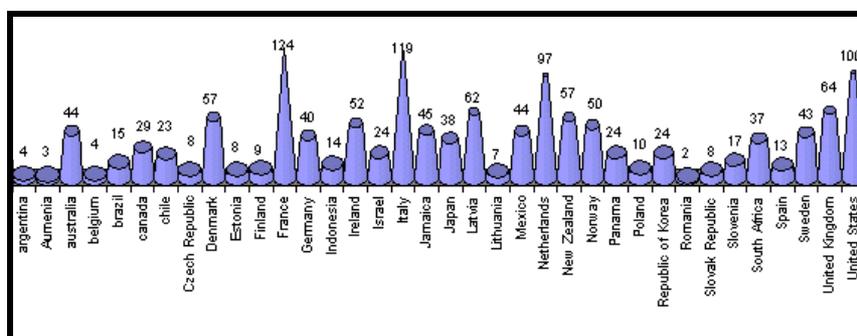
۲-۳-۲. شاخص نسبت منابع^۱ به کار رفته در اجرای قوانین ضد تراستی کشورها

از دیگر شاخص‌های مهم بین‌المللی در انعکاس اثرات تسهیل رقابت از طریق وضع مقررات، نسبت منابع به کار رفته در اجرای قوانین ضد تراستی کشورها است که به منظور تدقیق مقایسات، به صورت استاندارد شده نسبت به ۱۰۰ (شاخص مبنا برای ایالات متحده)

1. Input Measure.

به صورت بین المللی محاسبه و گزارش می شود. شکل ۷.

شکل ۲- شاخص نسبت منابع بکار رفته در اجرای مقررات تنظیمی کشورها
نسبت به ایالات متحده (۲۰۰۳)



منبع: Global Competition Review (2003)

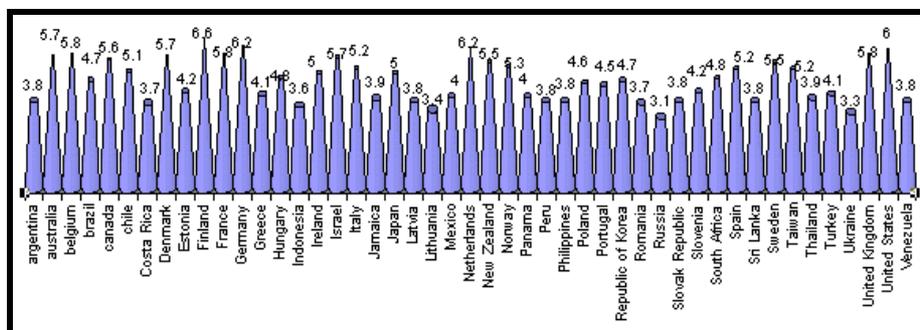
همانگونه که در شکل مشخص است فرانسه و ایتالیا منابع بیشتری را در مقایسه با ایالات متحده برای اجرای قوانین ضدتراستی صرف می‌کنند، حال آنکه رومانی و ارمنستان در میان کشورهای مورد بررسی (نسبت به ایالات متحده) بسیار کمتر از سایرین در این خصوص منابع تخصیص می‌دهند. (برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به ضمیمه II، بخش شاخص‌ها)

۳-۳-۲. شاخص درجه سیاست‌های ضد انحصاری^۱ در کشورهای مختلف

شاخص درجه سیاست‌های ضد انحصاری در کشورهای مختلف نیز از شاخص‌های مهمی است که در شکل (۸) ارائه شده است و در برگیرنده مؤلفه‌های مختلفی همچون شدت مقابله با رفتارهای انحصاری در کشور، شدت ممانعت از افزایش بیش از حد انحصارات در اقتصاد و برخی مؤلفه‌های دیگر می‌باشد.

1. Anti-monopoly Policy Index.

شکل ۸- شاخص درجه سیاست‌های ضد انحصاری در کشورهای مختلف (۲۰۰۳)



منبع: Global Competition Review (2003)

همانگونه که در شکل نیز نمایان است، کشور فنلاند نسبت به سایر کشورهای مورد بررسی دارای بزرگترین شاخص شدت سیاست‌های ضد انحصاری (۶/۷) می‌باشد و در مقابل روسیه و اوکراین به ترتیب با شاخص‌های ۳/۱ و ۳/۳ از کمترین میزان در این رابطه برخوردار می‌باشند.

۴-۲. مطالعات انجام گرفته در خصوص اثرات قانون رقابت

در خصوص ارتباط میان قانون رقابت و درجه رقابت، مطالعات مختلفی انجام شده است. یکی از این موارد، مطالعه‌ای است که کراکوسکی (۲۰۰۵) با استفاده از سیستم معادلات (که به دو صورت منفرد و همزمان برآورد شده است)، در رابطه با ۱۰۱ کشور دارای قانون رقابت انجام داده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که قدمت اجرای قانون رقابت در اقتصاد هر کشور می‌تواند تا حد زیادی توضیح دهنده اثربخشی سیاست ضد تراستی باشد. همچنین اثربخشی سیاست ضد تراستی و اندازه اقتصاد، اثر قابل توجهی بر درجه رقابت داخلی دارد. این در حالی است که حمایت‌های بازرگانی (تعرفه وارداتی) چندان در این زمینه مؤثر شناخته نشد. مطالعه دیگر در این خصوص را دوتز و واگلیزبندی (۲۰۰۰)^۲ به انجام رسانده‌اند که در آن اثرات ناشی از قانون رقابت در اقتصاد کشورهای در

1. Krakowski, (2005).

2. Dutz & Vagliasindi (2000).

حال گذار اروپای شرقی و مرکزی بررسی شده است. این مطالعه به نحوه اجرا، کفایت و اثرگذاری سیاست‌های رقابتی در ۱۸ کشور واقع در ناحیه مربوطه می‌پردازد. این کشورها به لحاظ تاریخچه فرهنگی و جغرافیایی نقاط مشترک فراوانی دارند و همین مسأله ارزش مقایسه در میان آنها را افزایش می‌دهد. نتایج حاصل از این مطالعه به وضوح نشان داد، آن دسته از کشورهایی که زودتر به اجرای قوانین ضد تراستی پرداختند - لهستان، مجارستان و کشورهای حوزه دریای بالتیک - برخوردار از نظام‌های اقتصادی کارآمدتری نسبت به سایر کشورها هستند. همچنین نتایج این مطالعه در خصوص اثرات ناشی از سیاست رقابتی در بازار محصولات نیز نشان داد که بهره‌گیری از سیاست‌های رقابتی کارآمدتر منجر به افزایش درجه توسعه بنگاه‌های جدید در بازار و افزایش درجه رقابتمندی در اقتصاد می‌شود.

مجله مجمع جهانی اقتصاد (WEF)^۱ نیز در همین ارتباط مطالعه‌ای را در سال ۲۰۰۵ انجام داده است. این مجله با تهیه پرسشنامه و کسب اطلاعات از کشورهای مختلف، آنها را به لحاظ درجه اثربخشی قوانین ضد تراستی ایشان، رتبه بندی کرده است. این رتبه بندی با استفاده از یک شاخص که دامنه آن از ۱ (بروز رفتارهای انحصاری به طور کامل در بازارهای مورد بررسی) تا ۷ (حاکمیت رقابت کامل در بازار مربوطه) قرار دارد، به انجام رسیده است.

مطالعه دیگر در این ارتباط را ایونت (۲۰۰۲)^۲ برای ایالات متحده انجام داده است و در آن اثرات ناشی از وجود ادغام و چارچوب‌های کنترل ادغام^۳ را بر اقتصاد این کشور بررسی کرده است. نتیجه این مطالعه نشان داد، در آن دسته از نظام‌هایی که اعلان ادغام

1. World Economic Forum.

2. Evenett (2002).

۳. مقصود از ادغام (Merger)، عملی حقوقی است که بر اساس آن دو یا چند شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا یک یا چند شرکت با محو شخصیت حقوقی خود در شرکت دیگر جذب می‌شوند. مقصود از چارچوب کنترل ادغام (Anti-merger Regimes)، مقررات تنظیمی است که از ادغام‌هایی با نیت ایجاد وضعیت اقتصادی مسلط، پیشگیری می‌کند و در مواردی که ادغام اجتناب‌ناپذیر است، از سوءاستفاده از وضعیت مسلط ناشی از ادغام جلوگیری می‌کند.

اجباری است، تعداد ادغام‌های صورت گرفته تا نصف کاهش می‌یابد و بنابراین بروز رویه‌های ضد رقابتی کمتر مشاهده می‌شود.

در مطالعه دیگر توسط کی و هوک من (۲۰۰۳)^۱ اثرات ناشی از قوانین مختلف رقابت بر قیمت‌گذاری حاشیه‌ای^۲ به عنوان یکی از نمادهای قدرت بازاری مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این رابطه از رگرسیون‌های بین کشوری استفاده شده است. این رگرسیون‌ها مشتمل بر متغیرهای زوجی^۳ در خصوص تاریخ اجرای قوانین رقابتی در این کشورها بودند. هر چند که در روش بکار رفته، امکان تمایز کامل بین قوانین نبود، اما در کل امکان بررسی روند مقررات در کشورهای مختلف وجود داشته است. در این راستا تنها تفاوت بین قوانین کشورها، تاریخ اجرای این مقررات است، و به استناد آن، مطالعه همبستگی مثبت میان قدمت قانون رقابت و درجه رقابت داخلی را نشان داد.

مطالعه دیگری نیز در زمینه کمی کردن نظام ضد تراستی از سوی نیکلسون (۲۰۰۴)^۴ انجام شده است که در آن به محاسبه نوعی شاخص به نام «شاخص قانون ملی»^۵ پرداخته شده است. در محاسبه این شاخص ابتدا به ازای وجود یا عدم وجود قانون رقابت، از نمره‌بندی زوجی^۶ استفاده شده است. در این مورد با در نظر گرفتن چندین گروه و سپس جمع امتیاز زیرمجموعه‌های آنها، در نهایت شاخص مربوطه ساخته شده است. این گروه‌های اصلی عبارتند از: ۱. ساختار نظام، ۲. سیاست ضد تراست، و ۳. رویه‌های ضد رقابتی. هر یک از این گروه‌ها مشتمل بر زیرگروه‌های مختلفی هستند که به طور مثال زیر مجموعه یکی از این سه گروه (سیاست ضد تراست) در جدول (۱) ارائه شده است.

1. Kee and Hoeckman, (2003).

2. Mark-up Pricing.

3. Binary Variables.

4. Nicholson (2004).

5. National Law Index.

۶. در این نمره‌بندی به ازای وجود یا عدم وجود هر یک از سیاست‌های ضد تراست، از امتیاز یک یا صفر استفاده شد، و در نهایت حاصل جمع امتیازات به دست آمده مبنای مقایسات قرار گرفت.

جدول ۱- معیارهای مورد استفاده در ساخت شاخص ضد تراست، در مطالعه نیکلسون (سیاست ادغام)

امتیاز	گروه عمومی سیاست ضد تراست	
۱	برون مرزی	قلمرو
۱	جریمه	راه علاج
۱	حبس	
۱	مصادره سرمایه	
۱	ابتکار عمل شخص سوم	ضمانت اجرای بخش خصوصی
۱	راه حل های پیش روی شخص سوم	
۱	حقوق شخص سوم در عملکرد	
۱	داوطلبانه	اعلان ادغام
۱	اجباری	
۱	قبل از ادغام	
۱	پس از ادغام	
۱	مسلط	ارزیابی ادغام
۱	محدود کننده رقابت	
۱	منافع عمومی	
۱	کارایی	
۱	سایر موارد	

به همین ترتیب در رابطه با دو عامل دیگر (ساختار نظام و رویه های ضد رقابتی) نیز، زیرمجموعه هایی معرفی، و متناسب با آن شاخص انحصاری ساخته شد و به استناد آن، در نهایت رتبه بندی کشورها به لحاظ مقررات ضد انحصاری صورت گرفته است.

۳. بررسی ساختار (درجه تمرکز) بازارهای منتخب در اقتصاد ایران^۱

از آنجایی که بررسی درجه تمرکز بازارها در اقتصاد، در تبیین ضرورت وضع قوانین تسهیل کننده رقابت، و ایجاد و حفظ فضای رقابت در کشور مؤثر است، پیش از پرداختن

۱. قانون رقابت؛ مبانی نظری و تجربه کشورها (۱۳۸۴)، صص ۲۰-۱۰۴.

به شدت تأثیر گذاری سیاست‌های رقابتی (به ویژه اعمال قانون رقابت) در اقتصاد، در این قسمت درجه تمرکز صنایع منتخب ایران بر اساس شاخص نسبت تمرکز و شاخص هرfindol - هیرشمن^۱ ارزیابی شوند.

۱-۳. شاخص نسبت تمرکز (سهم n بنگاه برتر)

معیار نسبت تمرکز متداولترین و ساده‌ترین شاخص اندازه‌گیری تمرکز است. این شاخص نشاندهنده سهم بازاری بنگاه‌های بزرگ و پیشرو در صنعت است. این روش به دلیل نیازهای محدود اطلاعاتی بیشتر متداول می‌باشد و در مطالعات تجربی از آن استفاده می‌شود. محاسبه این شاخص از طریق رابطه زیر صورت می‌گیرد:

$$C_n = \sum_{i=1}^n \frac{X_i}{X} = \sum_{i=1}^n S_i$$

مقصود از C_n : شاخص تمرکز n بنگاه، S_i : سهم بنگاه i ام، X_i : متغیر مورد نظر (تولید، فروش، ارزش افزوده، دارایی و اشتغال) بنگاه i ام، و X : اندازه کل متغیر مورد نظر در صنعت است. شایان ذکر است که میزان n اختیاری است. همچنین دامنه تغییرات شاخص فوق بین صفر تا صد درصد در نوسان می‌باشد. معیار قضاوت نیز بدین ترتیب است که چنانچه نسبت تمرکز ۴ بنگاه بیش از ۶۰٪ باشد، بیانگر یک بازار کاملاً متمرکز و تحت تسلط چند بنگاه است که به انحصار چند جانبه^۲ موسوم می‌باشد. هرچه درجه تمرکز بالاتر باشد، بازار به انحصار کامل نزدیک‌تر و هرچه درجه تمرکز کمتر باشد بازار به رقابت کامل نزدیک‌تر است. نسبت کمتر از ۴۰٪ را می‌توان تا حدودی به عنوان یک بازار رقابتی به حساب آورد.^۳

1. Herfindol – Hirshman Index.

2. Oligopoly.

۳. از جمله نقاط ضعف این شاخص اختیاری بودن n است. همچنین این شاخص فقط به اطلاعات چند بنگاه اول توجه دارد، به عبارت دیگر اگر تغییری در صنعت صورت گیرد به طوری که سهم بنگاه‌های بزرگتر را تحت تأثیر قرار ندهد، اندازه شاخص تغییر نمی‌کند. همچنین نسبت تمرکز تا حد زیادی به تعریف بازار بستگی دارد. بازار وسیع نسبت تمرکز را کاهش می‌دهد، در حالیکه بازار کوچک معمولاً اثر معکوس دارد.

۲-۳. شاخص هر فیندال - هیرشمن (HHI)

یکی از شاخص‌های مهم و کاربردی اندازه‌گیری تمرکز، شاخص هر فیندال - هیرشمن می‌باشد. این شاخص از اطلاعات تمام بنگاه‌های صنعت استفاده می‌کند. برای بدست آوردن این شاخص از مجموع مربع سهم اندازه‌های تولید یا فروش یا ...، تمام بنگاه‌ها در صنعت یا بازار استفاده می‌شود. در واقع این شاخص به هر بنگاه به اندازه سهم آن در بازار وزن می‌دهد. شاخص هر فیندال - هیرشمن (HHI) به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$HHI = \sum_{i=1}^N S_i^2$$

مقصود از S_i^2 ، مربع سهم بازار بنگاه i ام و N تعداد بنگاه‌های موجود در صنعت یا بازار است. بازاری که در آن HHI بیش از ۱۸۰۰ باشد، بازار غیر رقابتی به حساب می‌آید.

۳-۳. درجه تمرکز در صنایع منتخب اقتصاد ایران

در جدول (۲) درجه تمرکز بازاری هر یک از صنایع منتخب ارائه شده است.

جدول ۲- درجه تمرکز در صنایع منتخب

صنعت	تعداد بنگاه‌های فعال	شاخص نسبت تمرکز	شاخص هر فیندال هیرشمن
پتروشیمی	۱۴	دو بنگاه برتر ۵۴٪	۲۱۰۹
فولاد خام	۶	یک بنگاه برتر ۴۳٪	۳۲۷۲
محصولات فولادی	۸	دو بنگاه برتر ۷۲٪	۲۸۰۳
خودرو	۷	دو بنگاه برتر ۹۳٪	۴۸۹۶
سیمان	۳۷	چهار بنگاه برتر ۹۸/۸٪	۲۶۲۶
شیشه‌سازی	۶	دو بنگاه برتر ۴۵/۶٪	۲۰۰۴
بیمه	۱۲	چهار بنگاه برتر ۹۹٪	۴۰۷۳
بانکداری ^۱	۱۰	چهار بنگاه برتر ۷۱٪	۱۵۵۱

منبع: معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، قانون رقابت؛ مبانی نظری و تجربه کشورها (۱۳۸۴)

۱. داده‌های مربوط به صنعت بانکداری از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرجانه قندی‌نژاد تحت عنوان «بررسی ساختار (اندازه‌گیری تمرکز) و هزینه‌های اجتماعی انحصار در صنعت بانکداری ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات (۱۳۸۵)، اقتباس شده است.

نتایج جدول (۲) در خصوص ساختار بازارهای مهمی چون پتروشیمی، سیمان، شیشه‌سازی، و... نشان‌گر بالا بودن درجه تمرکز و وجود شرایط انحصاری است. لذا همان‌گونه که در برنامه سوم و چهارم توسعه و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تاکید شده است، از یک طرف خصوصی‌سازی انحصارات دولتی و از طرف دیگر وضع مقررات تنظیمی و قانون رقابت ضرورت می‌یابد.

۴. برآورد اثرات اجرای قانون رقابت در کشورهای مختلف

به‌منظور بررسی اثرات اجرای قانون رقابت بر بازار داخلی و قدرت رقابتمندی کشورهای مختلف، و در نهایت تعیین شدت اثرگذاری آن بر استاندارد زندگی افراد، باید در خصوص هر یک از این متغیرها (قدرت رقابتمندی خارجی، شدت رقابت داخلی و سطح استاندارد زندگی افراد) مدلی تعریف شود. به عبارتی باید الگویی در نظر گرفته شود تا از طریق آن اثرات اجرای قانون رقابت بر سطح رقابتمندی کشورها مشخص شود. همچنین الگوی دیگری در نظر گرفته شود تا به‌واسطه آن تأثیرات اجرای این قانون بر شدت رقابت داخلی این کشورها تعیین شود و در نهایت با الگویی دیگر مشخص شود که سطح استاندارد زندگی افراد چگونه از اجرای این قانون متأثر می‌شود. اما باید به یک نکته توجه داشت که طبق شواهد تجربی، در کشورهای با درآمد بالاتر، ضمانت اجرا و کارایی قانون رقابت بیشتر است.^۱ لذا می‌توان در عین حال که به بررسی نحوه اثرگذاری اجرای این قانون در بخش‌های مختلف پرداخت، در رویکردی همزمان، اثرگذاری توانان سطح درآمد کشور مربوطه را بر اجرای قانون رقابت نیز بررسی کرد. این کار با استفاده از سیستم معادلات همزمان امکان‌پذیر است که در بخش ۳-۴ به آن پرداخته می‌شود.

۴-۱. تصریح مدل و نمونه مورد بررسی

در این قسمت به بررسی اثرات کمی اجرای قانون رقابت می‌پردازیم. در انجام این بررسی ابتدا دو فرضیه را مطرح می‌کنیم:

1. Krakowski (2005).

فرضیه یک. اجرای قانون رقابت منجر به افزایش شدت رقابت در بازار کشورهای مختلف می شود.

فرضیه دو. اجرای قانون رقابت بر درجه رقابتمندی کشورها در بازارهای بین المللی تأثیر مثبت دارد.

در آزمون فرضیه های فوق از شاخص های محاسبه شده در خصوص سال های اجرای قانون رقابت^۱ در پایگاه اطلاعاتی مجمع جهانی اقتصاد (WEF)^۲، و برای سایر شاخص ها از پایگاه «بررسی جهانی رقابت» (GCR)^۳ در رابطه با ۸۳ کشور مختلف توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته (سال ۲۰۰۳)، استفاده شده است. (اسامی کشورها در ضمیمه I آورده شده است).

در انجام برآوردها تعامل متقابل اجرای قانون رقابت، رقابتمندی و استاندارد زندگی، در قالب سه معادله به صورت موارد زیر تحلیل می شود.

$$\text{Log(BCI)} = c(11) + c(12) * \text{log(AP)} + c(13) * \text{log(GNI)} + c(14) * \text{YL} \quad (1)$$

$$\text{Log(ILC)} = c(21) + c(22) * \text{log(B)} + c(23) * \text{log(AP)} \quad (2)$$

$$\text{Log(GNI)} = c(31) + c(32) * \text{log(ILC)} + c(33) * \text{log(BCI)} \quad (3)$$

که در آن:

BCI: شاخص رقابتمندی در کسب و کار^۴ (به عنوان متغیر جایگزین برای رقابتمندی اقتصادی)؛

AP: شاخص سیاست های ضد تراستی^۵ (به عنوان متغیر جایگزین برای اجرای قانون رقابت)؛

GNI: درآمد ملی سرانه (به عنوان شاخصی از سطح استاندارد زندگی)؛

YL: سال های اجرای قانون رقابت (به عنوان معیار کارایی اجرای این قانون)؛

ILC: شاخص درجه رقابت داخلی^۶ (به عنوان متغیری برای سنجش میزان رقابت در

1. Year of Competition Law enforcement.

2. World Economic Forum.

3. Global Competition Review.

4. Business Competitiveness Index.

5. Antitrust Policy Index.

6. Index of Local Competition Intensity .

میان بنگاه‌های داخلی)؛

B: شاخص منابع صرف شده برای تنظیم صنایع در مقایسه با ایالات متحده (به عنوان شاخصی از تمرکز منابع کشور برای جلوگیری از رفتارهای انحصارطلبانه و مغایر با کارایی اجتماعی) می‌باشد.

در برآورد این الگو، ابتدا عوامل مؤثر بر درجه رقابتمندی و همچنین درجه رقابت داخلی، به لحاظ اجرای قانون رقابت در دو الگوی جداگانه بررسی می‌شود و سپس میزان تاثیرگذاری این دو متغیر بر سطح استاندارد زندگی افراد در معادله سوم برآورد می‌شود.^۱

۲-۴. نتایج حاصل از برآورد تک تک معادلات

نتایج حاصل از برآورد معادله (۱) یعنی:

$$\text{Log(BCI)} = c(11) + c(12) * \log(\text{AP}) + c(13) * \log(\text{GNI}) + c(14) * \text{YL}$$

به صورت جدول (۳) به دست آمد. این معادله به سبب وجود مشکل ناهمسانی واریانس (بنابر مقطعی بودن داده‌ها) از روش حداقل مربعات وزنی (WLS) برآورد شده است.

جدول ۳- نتایج برازش الگوی درجه رقابتمندی اقتصادی

متغیر وابسته	متغیر توضیحی	ضریب	سطح احتمال
لگاریتم شاخص رقابتمندی در کسب و کار	عرض از مبدا (C11)	۸/۲۳	۰/۱۱
	لگاریتم شاخص سیاست ضد تراستی (AP)	۳/۷۸	۰/۰۰
	لگاریتم استاندارد زندگی (درآمد ملی سرانه=GNI)	۰/۱۱	۰/۰۳
	سال‌های اجرای قانون رقابت (YL)	۰/۰۲	۰/۰۱

همان گونه که جدول نشان می‌دهد:

- به ازای یک درصد افزایش در شاخص سیاست ضد تراستی، ۳/۷۸ درصد افزایش

۱. چون داده‌های مورد استفاده به صورت مقطعی می‌باشد، لذا نیازی به سنجش درجه پایایی داده‌ها وجود نداشته و بدون انجام این آزمون‌ها (دیکی فولر و دیکی فولر تعمیم یافته) می‌توان به برازش الگو پرداخت.

در درجه رقابتمندی اقتصاد مشاهده می‌شود. این نتیجه بر خلاف آن چیزی است که برخی از اقتصاددانان به آن اعتقاد دارند. چرا که از دیدگاه آنان محدود کردن تراست‌ها به معنای کاهش فرصت بهره‌گیری از صرفه‌های مقیاس بوده و این مسأله به معنای کاهش مزیت‌های نسبی کشور در صنعت مربوطه (در بازارهای جهانی) می‌باشد.^۱

- افزایش سطح استاندارد زندگی به میزان یک درصد، منجر به افزایش رقابتمندی اقتصاد به میزان ۰/۱۱ درصد می‌گردد.
 - تعداد سال‌های اجرای قانون رقابت در کشورهای مختلف نیز اثر مثبتی بر درجه رقابتمندی آن‌ها نشان داده است. به عبارتی به ازای هر یک سال افزایش در اجرای این قانون، ۰/۲ درصد، قدرت رقابتمندی کشور افزایش می‌یابد.^۲
- نتایج بدست آمده در هر دو سطح بحرانی ۰/۰۵ و ۰/۱۰، معنی دار هستند. در رابطه با معادله (۲)، یعنی:

$$\text{Log (ILC)} = c (21) + c (22) * \log (B) + c (23) * \log (AP)$$

نیز نتایج به صورت جدول (۴) به دست آمد. این معادله نیز از روش WLS برآورد شده است.

جدول ۴ - نتایج برآورد الگوی درجه رقابت داخلی

متغیر وابسته	متغیر توضیحی	ضریب	سطح احتمال
لگاریتم درجه رقابت داخلی	عرض از مبدا (C21)	۰/۵۶	۰/۰۳
	لگاریتم شاخص منابع صرف شده برای اعمال تنظیمات (B)	۰/۰۹	۰/۱۷
	لگاریتم شاخص سیاست‌های ضد انحصاری (AP)	۰/۱۳	۰/۰۰

۱. در این خصوص مایکل پورتر نیز مطالعه‌ای در سال ۲۰۰۳ انجام داده که در آن نیز به صراحت نتیجه فوق (مثبت

بودن اثر قانون رقابت بر رقابتمندی اقتصادی) به دست آمده است. برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به:

Porter, Michael. Microeconomic Foundations of Competitiveness - A New Agenda for International Aid Institutions. Institute for Strategy and Competitiveness, Harvard Business School. (2003).

۲. از آنجا که الگوی مورد بررسی در خصوص متغیر «سال‌های اجرای قانون رقابت» بدون لگاریتم وارد الگو می‌شود،

لذا به منظور یکسان شدن نتایج حاصل از برآورد ضریب این متغیر با سایر ضرایب، مقدار ضریب محاسبه شده با توجه به متوسط سال‌های اجرای قانون رقابت در کشورها (۱۰/۴ سال) تعدیل شده است.

همانگونه که نتایج جدول نشان می‌دهد:

- شاخص منابع صرف شده برای اعمال تنظیمات بر درجه رقابت داخلی اثر مثبت (۰/۰۹) اما بی معنی دارد.
- شاخص سیاست‌های ضد انحصاری بر درجه رقابت داخلی اثر مثبت و معنی‌دار دارد، به گونه‌ای که به ازای هر یک درصد افزایش در شدت سیاست‌های ضد انحصاری، ۰/۱۳ درصد رقابت در داخل افزایش می‌یابد.
در رابطه با معادله (۳) یعنی:

$$\text{Log(GNI)} = c(31) + c(32) * \log(\text{ILC}) + c(33) * \log(\text{BCI})$$

نیز نتایج به صورت جدول (۵) به دست آمد. این معادله نیز همانند دو معادله قبل از روش WLS برآورد شده است.

جدول ۵- نتایج برازش معادله سوم

متغیر وابسته	متغیر توضیحی	ضریب	سطح احتمال
سطح استاندارد زندگی (لگاریتم درآمد ملی سرانه)	عرض از مبدا (C31)	۸/۵۸	۰/۲۶
	لگاریتم شاخص درجه رقابت داخلی (ILC)	۰/۸۰۱	۰/۰۶
	لگاریتم شاخص رقابت‌مندی در کسب و کار (BCI)	۰/۶۶	۰/۰۹

نتایج به دست آمده در این قسمت نشان داد که:

- به ازای هر یک درصد افزایش در شاخص درجه رقابت داخلی، سطح استاندارد زندگی ۰/۸ درصد افزایش می‌یابد. این نتیجه نیز در سطح بحرانی ۱۰ درصد معنی‌دار بوده و در سطح بحرانی ۰/۰۵، معنی‌دار نیست.
- به ازای هر یک درصد افزایش در شاخص رقابت‌مندی، سطح استاندارد زندگی ۰/۷ درصد افزایش می‌یابد. این نتیجه در سطح بحرانی ۱۰ درصد معنی‌دار بوده و در سطح بحرانی ۰/۰۵، معنی‌دار نیست.

۳-۴. نتایج حاصل از برآورد الگو به صورت همزمان

طبق مطالعات تجربی مختلف، در اقتصادهایی که رقابتی‌تر باشند، درآمد ملی و

استاندارد زندگی بالاتر است. اجرای سیاست‌های رقابتی و قانون رقابت نیز با هدف افزایش سطح رقابت و رشد اقتصادی صورت می‌گیرد. لذا انتظار می‌رود، در کشورهایی که اجرای سیاست‌های رقابتی و قانون رقابت قدمت بیشتری دارند، وضعیت رشد اقتصادی و استانداردهای زندگی مناسب‌تر باشد. همچنین بررسی‌های تجربی نشان می‌دهد، بیشتر کشورهای دارای قوانین رقابت منسجم‌تر و فضای کسب و کار رقابتی‌تر، در سطوح درآمدی بالاتر قرار دارند، به عبارتی میان شدت اعمال سیاست‌های رقابتی (به‌ویژه قانون رقابت) و رشد در اقتصاد، رابطه مثبت و دو سویه وجود دارد.

به منظور بررسی همزمانی در مطالعه، معادلات (۱) تا (۳) در قالب یک سیستم در نظر گرفته شده و الگو به صورت همزمان برآورد شدند. نتایج حاصل از برآورد این سیستم که از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای وزنی (Weighted TSLS) بدست آمده است، به صورت جدول (۶) می‌باشد.

جدول ۶ - نتایج برآورد همزمان الگوها

متغیر وابسته	متغیر توضیحی	ضریب	سطح احتمال
لگاریتم شاخص رقابتمندی در کسب و کار	عرض از مبدا	۲/۷۵	۰/۸۷
	لگاریتم شاخص سیاست ضد تراستی	۴/۲۶	۰/۰۰۲
	لگاریتم استاندارد زندگی (درآمد ملی سرانه)	۰/۸۰۳	۰/۶۴
لگاریتم درجه رقابت داخلی	سال‌های اجرای قانون رقابت	۰/۰۶	۰/۰۰۶
	عرض از مبدا	۱۱/۸۶	۰/۰۰۰۰
	لگاریتم شاخص منابع صرف شده برای اعمال تنظیمات	۰/۰۶	۰/۹۲
سطح استاندارد زندگی (لگاریتم درآمد ملی سرانه)	لگاریتم شاخص سیاست‌های ضد انحصاری	۵/۴۸	۰/۰۰۷
	عرض از مبدا	۶/۷۹	۰/۱۶
	لگاریتم شاخص درجه رقابت داخلی	۰/۵۸	۰/۰۴۸
	لگاریتم شاخص رقابتمندی در کسب و کار	۰/۶۲	۰/۰۹۸

بنابر نتایج به دست آمده:

- به ازای یک درصد افزایش در شاخص سیاست ضد تراستی، ۴/۲۶ درصد افزایش معنی‌دار در درجه رقابتمندی مشاهده می‌شود. این اثرگذاری مثبت مشابه حالت قبل

می باشد.

- افزایش در سطح استاندارد زندگی به میزان یک درصد، منجر به افزایش رقابتمندی کشور به میزان ۰/۸ درصد می گردد. البته تأثیر به دست آمده معنی دار نیست.
 - تعداد سال‌های اجرای قانون رقابت در کشورهای مختلف نیز اثر مثبتی بر درجه رقابتمندی آن‌ها نشان می دهد. به عبارتی به ازای هر یک سال افزایش در اجرای این قانون، ۰/۰۶ واحد درصد، قدرت رقابتمندی کشور افزایش می یابد.
 - به ازای هر یک درصد افزایش در شاخص منابع صرف شده برای اعمال تنظیمات درجه رقابت داخلی ۰/۰۶ درصد افزایش می یابد. اما این اثرگذاری معنی دار نیست.
 - به ازای هر یک درصد افزایش در شاخص سیاست‌های ضد انحصاری، درجه رقابت داخلی ۵/۴۸ درصد افزایش می یابد.
 - به ازای هر یک درصد افزایش در شاخص درجه رقابت داخلی، سطح استاندارد زندگی ۰/۵۸ درصد افزایش می یابد.
 - به ازای هر یک درصد افزایش در شاخص رقابتمندی در کسب و کار، سطح استاندارد زندگی ۰/۶۲ درصد افزایش می یابد.^۱
- به این ترتیب اجرای قانون رقابت می تواند منجر به افزایش درجه رقابتمندی اقتصاد و از آن طریق بهبود سطح استاندارد زندگی شود. این تأثیر به اینجا ختم نمی شود، به عبارتی اجرای قانون رقابت و سیاست‌های ضد تراستی بر درجه رقابت داخلی نیز اثرگذار بوده و از این طریق نیز سطح استاندارد زندگی را تحت تأثیر قرار می دهد.

جمع بندی و ملاحظات

این مطالعه با هدف بررسی اثر قانون رقابت و سیاست‌های رقابتی بر متغیرهای اقتصادی (استاندارد زندگی)^۲ برای ۸۳ کشور در حال توسعه، توسعه نیافته و توسعه یافته، به انجام رسید. در قسمت اول و دوم به مبانی نظری و شاخص‌های مرتبط با اجرای قانون رقابت و

۱. سطح بحرانی ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است.

2. Standard of Living.

سیاست رقابتی، همچنین مطالعات مربوطه پرداخته شد. در قسمت سوم درجه تمرکز در بازارهای اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گرفت. در قسمت چهارم نیز مدلی تجربی با استفاده از داده های ۸۳ کشور دارای قانون رقابت برآورد شد. نتایج حاصل از مدل برآوردی نشان داد که اجرای قانون رقابت، اثر قابل توجهی بر درجه رقابتمندی اقتصاد دارد. در این ارتباط تعداد سالهای اجرای قانون رقابت در کشورهای مختلف نیز اثر مثبتی بر درجه رقابتمندی آنها نشان داده است. همچنین این سیاستها، بر درجه رقابت ملی اثر مثبت و معنی داری دارد، به گونه ای که بنابر تخمین همزمان الگو به ازای هر یک درصد افزایش در شدت سیاستهای ضد انحصاری، ۵/۴۸ صدم درصد رقابت در داخل شدت می یابد و به ازای هر یک درصد افزایش در درجه رقابت داخلی، استاندارد زندگی ۰/۵۸ درصد افزایش می یابد.

در مجموع نتایج مطالعه انجام گرفته می تواند به عنوان پشتیبانی برای لایحه تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل گیری انحصارات به شمار رود، زیرا مطالعه به وضوح نشان می دهد که تجربه اجرای قانون رقابت در کشورهای مختلف، تا حد زیادی بر بهبود درجه رقابتمندی اقتصادی این کشورها و استاندارد زندگی آنها مؤثر بوده است. در ادامه بر موارد زیر به عنوان توصیه های سیاستی تاکید می شود:

- با توجه به ساختار انحصار در بازارهای مهمی چون پتروشیمی، سیمان، شیشه، فولاد و...، تصویب حقوق رقابتی برای اثربخشی سیاستهای اصلاح اقتصادی چون خصوصی سازی و نیل به اهدافی چون کارایی اولویت می یابد. در همین راستا با توجه به وضعیت اقتصادی مسلط بازارها، توجه به مواردی چون ادغام در تدوین مقررات رقابتی اهمیت مضاعف می یابند.
- با توجه به نکته فوق و همچنین استقبال کشورهای مختلف از وضع و اجرای قانون رقابت و اثربخشی آن بر رقابتمندی و استاندارد زندگی، جای دارد در تصویب قانون رقابت تسریع شود،
- از آنجایی که اجرای قانون رقابت، نیازمند نهادی تخصصی (مقام رقابت) می باشد، شایسته است اقدامات لازم برای ایجاد این نهاد در اقتصاد ایران انجام شود.

- از آنجایی که قانون رقابت تنها یکی از ابزارها (ابزار اصلی) سیاست رقابتی است، سازگاری سایر سیاست‌ها چون سیاست‌های تعرفه‌ای که بر دسترسی به بازار و درجه تمرکز اثر می‌گذارند، با جهت‌گیری تسهیل رقابت مدنظر قرار گیرد. وجود همزمانی در سیستم معادلات دلیلی بر این تأکید به شمار می‌رود.

منابع

- خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۷۹)؛ ارزیابی قدرت و حجم فعالیت‌های انحصاری در اقتصاد ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۳)؛ بررسی مفاهیم و مرور مطالعات انجام شده در خصوص قانون تسهیل رقابت و کنترل انحصار، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی - وزارت بازرگانی.
- دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۲)؛ پیش‌نیازها و ملاحظات تدوین قانون تسهیل رقابت و کنترل انحصار، تجربه جمهوری اسلامی ایران، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی - وزارت بازرگانی.
- دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۲)؛ مقدمه‌ای بر ساختارها و ترتیبات نهادی تنظیم‌کننده، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی - وزارت بازرگانی.
- دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۲)؛ نقش مقررات تنظیمی در اقتصاد و جایگاه قانونی آن، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی - وزارت بازرگانی.
- دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۵)؛ قانون رقابت؛ الزامات و پیش‌شرط‌های اجرا در کشورهای در حال توسعه، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی - وزارت بازرگانی.
- رنانی، محسن (۱۳۷۶)؛ بازار یا نابازار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی، چاپ اول.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴)؛ رقابت آزاد و انحصار - تجربه چند کشور، معاونت امور مناطق و مجلس - گروه مطالعاتی بررسی قوانین و مقررات مانع توسعه.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۸)؛ بررسی و پیشنهاد اصول مورد نیاز در تنظیم قوانین ضد انحصار در کشور، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
- قندی‌نژاد، مرجانه (۱۳۸۵)؛ بررسی ساختار (اندازه‌گیری تمرکز) و هزینه‌های اجتماعی انحصار در صنعت بانکداری ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، دانشکده اقتصاد.

معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۴)؛ لایحه قانون رقابت:

مبانی نظری و تجربه کشورها، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول.

Black, Julia (1999); "Using rules efficiently", in *Regulation and Deregulation*, McGraw Hill. 1st ed.

Brook, Douglas. H. (2005); "Competition Policy and Development", *ERD Policy Brief*, No. 39.

Brue, and McConnel (1996); *Economics*, 13th ed. Norton pub.

Collier Ute (1999); "Deregulation in the European Union", in *Regulation and Deregulation*, McGraw Hill. 1st Ed.

Dutz, Mark A. and Maria Vagliasindi (2000); "Competition Policy Implementation in Transition Economies: An Empirical Assessment", *European Economic Review*, No. 44, pp. 762-772.

Evenett, Simon J. (2002); "How Much Have Merger Review Laws Reduced Cross Mergers and Acquisitions?", *Mimeo*, World Trade Institute.

Evenett, Simon J. (2005); *What is the Relationship between Competition Law and Policy and Economic Development?*, University of Oxford.

Kee, Hiau Looi and Bernard Hoekman (2003); "Imports, Entry, and Competition Law as Market Disciplines", *CEPR Discussion Paper*, No. 3777.

Khemani, D.R. (1996); "The interface between competition and trade policies", In: Bora, B. and Pangestn, M. *Priority Issues in Trade and Investment Liberalization*, Pacific Economic Cooperation Council Singapore,

Kolasky. William J. (2002); "Using competition policy to promote competitiveness", *American Chamber of Commerce*, Department of Justice, Republic of Korea.

Krakowski, Michael (2005); "Competition Policy Works: the effect of competition policy on the intensity of competition-an international cross country comparison", *HWWA Discussion Paper*, 332.

Lee, Cassey (2002); *The Institutional and policy Framework for Regulation in Malaysia*, University of Malaya.

Nicholson, Michael W. (2004); *Quantifying Antitrust Regimes*, Federal Trade Commission.

Porter, Michael. (2001); *Microeconomic Foundations of Competitiveness - A New*

Agenda for International Aid Institutions, Institute for Strategy and Competitiveness Harvard Business School.

Ruffin, Roy and Paul R. Gregory. (1990); *Economics*, A Division of the Scott, Foresman and Company. 4th ed.

Schiller, Bradley R. (1989); *The economy Today*, Random House Business Division, 4th ed.

ضمیمه

I. اسامی کشورها

سنگاپور	لیتوانی	السالوادور	آرژانتین
جمهوری اسلواکی	لوکزامبورگ	استونی	ارمنستان
اسلوانی	مالزی	فنلاند	استرالیا
آفریقای جنوبی	موریس	فرانسه	اتریش
اسپانیا	مکزیک	آلمان	بنگلادش
سری لانکا	مغرب	یونان	بلژیک
سوئد	نامیبیا	گواتمالا	بولیوی
سوئیس	هلند	هاییتی	بوتسوانا
تایوان	نیوزیلند	هندوراس	برزیل
تایلند	نیکاراگوئه	هنگ کنگ	بلغارستان
ترینیداد توباگو	نیجریه	مجارستان	کانادا
تونس	نروژ	ایسلند	شیلی
ترکیه	پاناما	هندوستان	چین
اوکراین	پاراگوئه	اندونزی	کلمبیا
انگلستان	پرو	ایرلند	کاستاریکا
ایالات متحده	فیلیپین	اسرائیل	کرواسی
اروگوئه	لهستان	ایتالیا	جمهوری چک
ونزوئلا	پرتغال	جامائیکا	دانمارک
ویتنام	جمهوری کره	ژاپن	جمهوری دومینکن
زیمبابوه	رومانی	اردن	اکوادور
-	روسیه	لیتوانی	مصر

II. معرفی شاخص‌ها

شاخص مقررات ضد تراستی (AP): این شاخص با لحاظ عوامل موثر بر کاهش شرایط تراستی در اقتصاد از جمله درجه ممنوع ساختن ادغام‌ها و شرایط آن، شدت مقررات ورود و خروج به بازار و برخی موارد مشابه، و اختصاص امتیاز مشخص به هر یک از این موارد و سپس جمع امتیازات ساخته می‌شود.

شاخص نسبت منابع به کار رفته در اجرای قوانین ضد تراستی (B): این شاخص به دو صورت محاسبه می‌شود: ۱. نسبت بودجه صرف شده در این زمینه به کل کارکنان استخدام شده در این بخش، ۲. نسبت بودجه صرف شده در این زمینه به کل درآمد ملی کشور. شاخص رقابتمندی در کسب و کار (BCI): این شاخص متشکل از رتبه استراتژی و عملکرد بنگاه‌های داخلی، کیفیت محیط کسب و کار ملی و رتبه GDP کشور می‌باشد. GNI: رتبه درآمد ملی سرانه هر کشور در سال ۲۰۰۳ است.

قدمت اجرای قانون رقابت در هر یک از کشورها (YL): تعداد سالهای اجرای قانون رقابت در هر یک از کشورها تا سال ۲۰۰۳ است.

شاخص درجه رقابت داخلی (ILC): این شاخص از طریق پاسخ‌گویی هر یک از کشورهای دارای قانون رقابت به سئوالات زیر (مندرج در پرسشنامه موسسه World Economic Forum در سال ۲۰۰۳)، ساخته شده است:

۱. آیا رقابت در بازار داخلی محدود است و در آن کاهش شدید قیمت نادر است؟
۲. آیا رقابت صنایع به نحوی شکل گرفته که رهبری بازار پیوسته طی زمان تغییر کند؟

III. نتایج برآورد الگوی همزمان (روش Weighted TSLS)

System: SYS01

Estimation Method: Iterative Weighted Two-Stage Least Squares

Date: 04/03/99 : Time 17:08

Sample: 1 83

Instruments: LREG LMK LAL C

Convergence achieved after: 1 weight matrix, 2 total coef iterations

	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C(11)	2.754132	17.24835	0.159675	0.8734
C(12)	4.266094	1.100664	3.875927	0.0002
C(13)	0.807338	1.725099	0.467995	0.6407
C(14)	0.065510	0.023035	2.843951	0.0065
C(21)	11.86186	1.375651	8.622726	0.0000
C(22)	0.066511	0.665056	0.100008	0.9205
C(23)	5.489834	2.002680	2.741244	0.0071
C(31)	6.795677	2.100186	3.235750	0.0016
C(32)	0.580888	0.369899	1.570396	0.0485
C(33)	0.627648	0.487462	1.287358	0.0988

Determinant residual covariance 2.658977

Equation: $LOG(GCI)=C(11)+C(12)*LOG(AP)+C(13)*LOG(GNI)+C(14)*YL$

Observations: 41

R-squared	0.222180	Mean dependent var	3.172831
Adjusted R-squared	0.221275	S.D. dependent var	1.005154
S.E. of regression	1.155392	Sum squared resid	49.39240
Durbin-Watson stat	2.511404		

Equation: $LOG(LC)=C(21)+C(22)*LOG(B)+C(23)*LOG(AP)$

Observations: 34

R-squared	0.600248	Mean dependent var	2.963188
Adjusted R-squared	0.574458	S.D. dependent var	1.022762
S.E. of regression	0.667185	Sum squared resid	13.79921
Durbin-Watson stat	1.479441		

Equation: $LOG(GNI)=C(31)+C(32)*LOG(LC)+C(33)*LOG(GCI)$

Observations: 46

R-squared	2.243991	Mean dependent var	8.481707
Adjusted R-squared	2.194872	S.D. dependent var	1.552476
S.E. of regression	2.860466	Sum squared resid	351.8375
Durbin-Watson stat	1.771047		